



Explaining the Indicators Influencing the Globalization of Art and Visual Artists Using the Delphi Model

1. Seyed Javad Derakhshan¹: Department of Art Research, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Abolfazl Davodiroknabadi^{2*}: Department of Textile and Clothing Design, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

*Corresponding Author's Email Address: davodi@iauyazd.ac.ir

How to Cite: Derakhshan, S. J., & Davodiroknabadi, A. (2024). Explaining the Indicators Influencing the Globalization of Art and Visual Artists Using the Delphi Model. *Manifestation of Art in Architecture and Urban Engineering*, 2(4), 29-55.

Abstract:

The manifestation of painters' ideas through one or a collection of artworks on a global scale—and the pursuit of universal recognition and access to international art platforms—is not only one of the primary concerns of emerging local artists, but also a significant area of interest for many art critics and theorists. These stakeholders aim to analyze the reasons and mechanisms behind the emergence of globally recognized art and artists. Achieving this prestigious position and securing a lasting legacy in the history of world art requires adequate awareness and understanding of global art as both universal art and international art. This article seeks to answer the question: What indicators have contributed to the emergence and decline of the globalization of art and visual artists? To address this, multiple indicators were identified and defined based on prior research in the field of global art. Given the significance of the findings—over seventy indicators were extracted—the study focused on the influential factors contributing to the globalization of visual art and artists. A genealogical analysis of the indicators influencing global art revealed the intellectual contexts in which these indicators emerged and the consequences they have had for the field of art. By distinguishing key indicators such as cultural identity, attention to the content of the artwork, aesthetic value, communication strategies, worldview and ideology of the artist, the curators' role in accurately positioning artworks, and the role of critics in organizing international exhibitions, it becomes possible to evaluate the dimensions of this phenomenon in the contemporary era and understand the conditions enabling or restricting its globalization. The findings of the present study emphasize that the globalization of Iranian painters does not necessarily depend on abandoning cultural identity or conforming to international art norms such as creating purely formalist works. Rather, it is possible to create globally-oriented paintings by focusing on the extracted indicators—such as cultural identity, content-oriented creation, communication strategies, and more.

Keywords: painting art, globalization of art, global visual artist, universality, Delphi model.

Received: 18 December 2024

Revised: 03 January 2025

Accepted: 21 January 2025

Published: 14 February 2025



Copyright: © 2024 by the authors. Published under the terms and conditions of Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

تبیین شاخص‌های مؤثر بر جهانی‌سازی هنر و هنرمندان نقاش با بهره‌گیری از مدل دلفی

۱. سید جواد درخشن^{id}: گروه پژوهش هنر، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. ابوالفضل داودی رکن‌آبادی^{id*}: گروه طراحی پارچه و لباس، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: davodi@iauyazd.ac.ir

نحوه استناددهی: درخشن، سید جواد، و داودی رکن‌آبادی، ابوالفضل. (۱۴۰۳). تبیین شاخص‌های مؤثر بر جهانی‌سازی هنر و هنرمندان نقاش با بهره‌گیری از مدل دلفی. تجلی هنر در معماری و شهرسازی، ۲(۴)، ۲۹-۵۵.

چکیده

بازآفرینی نشانه‌های معماری سنتی در فضاهای محله نیاکی آمل به عنوان یک فرآیند ضروری برای حفظ هویت فرهنگی و تاریخی این منطقه شناخته می‌شود. این تحقیق بر آن است تا اهمیت و چالش‌های بازآفرینی نشانه‌های معماری سنتی را بررسی کند و به تحلیل عوامل مؤثر بر این فرآیند بپردازد. با توجه به تغییرات سریع شهری و تهدیدات ناشی از مدرنیزاسیون، نیاز به رویکردی جامع و پایدار برای حفظ و بازآفرینی این نشانه‌ها بیش از پیش احساس می‌شود. هدف اصلی این تحقیق، شناسایی و تحلیل نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای مرتبط با بازآفرینی نشانه‌های معماری سنتی در محله نیاکی آمل است. با در نظر گرفتن اهمیت حفظ هویت فرهنگی و اجتماعی، این مطالعه به دنبال ارائه راهکارهایی برای تقویت و تسهیل فرآیند بازآفرینی است. همچنین، این تحقیق به بررسی تأثیرات اجتماعی و اقتصادی این فرآیند بر ساکنان محله می‌پردازد. برای تحقیق حاضر، از روش تحقیق کیفی و ترکیبی استفاده می‌شود. جمع‌آوری اطلاعات از طریق روش‌های میدانی شامل مشاهده مستقیم، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ساکنان محله و کارشناسان معماری، و همچنین تحلیل مستندات تاریخی و فرهنگی صورت می‌گیرد. جامعه آماری شامل ۴۵ نفر از ساکنان، معماران و کارشناسان فرهنگی محلی است که به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. تحلیل یافته‌ها با استفاده از تکنیک SWOT انجام شده است که به شناسایی عوامل مؤثر در بازآفرینی نشانه‌های معماری سنتی کمک می‌کند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که نقاط قوت قابل توجهی نظیر حفظ هویت فرهنگی و جذب گردشگران وجود دارد، در حالی که چالش‌های جدی مانند نبود آگاهی و مشکلات اقتصادی نیز مطرح است. این مطالعه به شناسایی فرصت‌هایی برای حمایت از پروژه‌های بازآفرینی و توسعه گردشگری پایدار می‌پردازد که می‌تواند به حفظ و ارتقاء نشانه‌های معماری سنتی کمک کند. نتیجه‌گیری این تحقیق بر اهمیت بازآفرینی نشانه‌های معماری سنتی به عنوان ابزاری برای تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی محله نیاکی آمل تأکید دارد. با توجه به پتانسیل‌های موجود و نیاز به حمایت‌های مالی و آموزشی، این مطالعه پیشنهاداتی برای تسهیل فرآیند بازآفرینی ارائه می‌دهد. به این ترتیب، می‌توان به حفظ و ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان و تقویت حس تعلق به مکان در این محله کمک کرد.

کلیدواژگان: آمل، معماری بومی خانه‌های سنتی، بازآفرینی شهری، میراث فرهنگی، هویت محلی

تاریخ دریافت: ۲۸ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴ مهر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲ آبان ۱۴۰۳

تاریخ انتشار: ۲۶ آبان ۱۴۰۳



مقدمه

آنچه یک اثر را به یک اثر هنری ارزشمند و نه یک شیء معمولی بدل می‌سازد. مجموعه فرایندهایی است که از طرز تفکر و طرز بیان هنرمند و بطن جامعه طبقات مختلف اجتماعی نظیر (کم‌درآمد و متوسط سوسیالیستی، بورژوا) یا سایر مخاطبین اهل هنر نظیر منتقدین فلاسفه هنر، مجموعه‌داران و گالری‌ها برخاسته است.

هر چند که تولید یک اثر هنری وابسته به عوامل و شرایط خاصی در نزد، مولد اثر نظیر نگاه هستی‌شناسی هنرمند توجه به محتوا و صورت اثر عمیق بودن اثر یکپارچگی معنی و غیره را دارد. در واقع اهمیت هیچ‌یک از این عناصر در اثر هنری هنرمند و مخاطب را نمی‌توان نادیده گرفت؛ اما باید گفت آنچه بیش از همه اهمیت دارد ارتباط بین این عناصر است که منجر به پیدایش یک شبکه نظام‌مند در دنیای هنر می‌شود.

در واقع مجموعه‌ای از ضوابط سیاسی اجتماعی و اقتصادی که در اجزای این شبکه شاخص‌های گوناگونی در جهت شکل‌گیری اثر هنری و هنرمند مستقل و حرفه‌ای دارد. با توجه به اهمیت موضوع در ادامه سعی کردیم تا پس از تبیین شاخص‌های مؤثر بر رفتار هنرمندان مستقل و حرفه‌ای نقاش از منظر جامعه‌شناسی الگوی ارائه گردد تا هم نگاهی جامع به موضوع داشته باشیم؛ و هم با بهره‌گیری از آن بتوان به تحصیل شاخص‌های مؤثر در خلق اثر هنری با رویکرد جهانی شدن پرداخت.

پیشینه پژوهش

مفهوم رفتارشناسی هنرمندان چند سال بیشتر نیست که به‌صورت جدی مورد توجه قرار گرفته است و البته این به این معنی نیست که تا قبل از این‌چنین مفهومی وجود نداشته. یا بی کاربرد بوده است. لذا تاکنون چنین پژوهشی منسجم در این‌باره کمتر صورت گرفته است. لذا باید از لابه‌لای سخنان و متون اهل فن به جمع‌آوری پیشینه کم‌رنگی از این مفهوم به‌ویژه با تأکید بر جامعه‌شناسی هنر و تأثیرات آن بر جهانی‌شدن هنر و هنرمندان پرداخت.

در منابع فارسی تنها چند مقاله و پایان‌نامه با عناوینی همچون؛ بررسی جامعه‌شناسی عناصر ساختاری در سیستم هنر (1) مشارکت نقاشان در فردیت‌های جمعی جامعه هنر نقاشی ایرانی (2) تعبیر زبان شناسانه از هنر جهانی (3) به چشم می‌خورد اغلب به این مقوله از دیدگاه جامعه‌شناسی پرداخته‌اند. مریدی در پژوهش‌های خود اغلب به میزان گرایش نقاشان به فعالیت‌های اجتماعی و مشارکت نقاشان در انجمن‌های صنفی اشاره دارد. اما در مقالات و کتاب‌ها، عمده تلاش‌های انجام شده به دنبال تعریف و تبیین این مفهوم بوده‌اند. ویکتوریا الکساندر در کتاب خود با عنوان جامعه‌شناسی هنرها به دنبال تعریف و تبیین شرحی بر اشکال زیبا و مردم‌پسند هنر است. الکساندر در این کتاب سعی کرده است با نگاهی بی‌طرفانه، رویکردهای مهم موجود در این حوزه را تشریح کند و برای هر یک مثال‌های تحقیقی لازم را ارائه دهد. در واقع وی به تشریح مفهوم هنر از نگاه جامعه‌شناسی می‌پردازد.

در حوزه تحلیل فرمالیستی در قرن گذشته، به جز معدودی از منتقدان فرمالیست که با فضای تصویری سروکار داشته‌اند، تعداد کمی تلاش کرده‌اند از روش‌شناسی خلاقانه برای تحلیل سیستماتیک چگونگی ساخت فضای تصویری در نقاشی، به‌ویژه در آثار معاصر نقاشان استفاده کنند. برای پرکردن این خلأ، در تحقیقی که توسط هانیپنگ صورت گرفت از روش‌های تحلیلی رسمی جدید برای تحلیل و تبیین ساخت فضایی در نقاشی‌ها استفاده شد. از نظر روش تحلیل، این پژوهش به تحلیل نمونه‌ای از نقاشی‌های معاصر غرب می‌پردازد و از رویکردهای همپوشانی انتزاعی و فیگوراتیو، روایت‌های موازی موجود در فضاهای

چندگانه و کنار هم قرار دادن ابعاد مختلف مادی برای بازاندیشی استفاده می‌کند. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که نقاشی‌ها یک موضوع تحقیقاتی ضروری در هنر تجسمی هستند. ساخت فضای تصویر غنی است و لایه‌های معناداری متعددی را شامل می‌شود. تداخل فضای انتزاعی (حساسیت) و فضای فیگوراتیو (عقلانیت) و همچنین همزیستی این سیستم متضاد، هنرمندان را قادر می‌سازد تا در هنگام خلق آثار، امکانات بیشتری را کشف کنند و جلوه‌ها و بافت‌های بصری را در نقاشی‌های خود به طور موثر غنی کنند (4).

مبانی نظری

نگاهی به جریان‌های هنر نقاشی جهانی

نگاهی کلی به جریان‌های هنر نقاشی به عنوان یک هنر مادر که در گروه (هنرهای پلاستیک) قرار می‌گیرد همواره نوع تفکرات و بینش هنرمند از سوی جامعه طبقات اجتماعی و نظام‌های حاکم بر جامعه دولتمردان پادشاهان و غیره سمت و سوی سبک خاصی هدایت شده است.

تا از این طریق به شیوه خاص (سبک) و یا تکنیک‌های منحصربه‌فرد رسالت نقاش که انتقال یک پیام خاص و یا امر زیبا است صورت بگیرد. مطالعه هنر در عصر جهانی‌شدن نیز مختصات تازه‌ای یافته است. از دیرباز اسطوره زبان جهانی هنر به عنوان زبان یا نمادهای مشترک میان همه فرهنگ‌ها در برابر بومی بودن تجربه‌های آفرینش هنر در نظریه‌های هنر مطرح بوده است.

هنر مدرن با ارائه سبک‌های جدید در نقاشی نظیر آبستره انتزاعی ایده زبان جهانی هنر را مطرح کرده زبانی متکی به ارزش‌های جهان‌شمولی که در دهه‌های اخیر با گسترش رسانه‌های جهانی بار دیگر ادعای تحقق هنر جهانی مطرح شده است.

با این حال همان‌گونه که بحث شد این دغدغه وجود دارد آیا هنر جهانی به عنوان شکل‌ها و فرم‌های ناب که وجه مشترک میان فرهنگ‌هاست در حال شکل‌گیری است یا در پس هژمونی دنیای غرب و الگوهای آفرینش هنر غرب در حال جهانی کردن و مرجع قرار دادن خود هستند آیا در نتیجه این جریان حرکت به سوی هم‌شکلی در آفرینش هنری و حذف تنوع و در شیوه‌های هنری نخواهد بود.

عملکرد موزه‌ها و نگارخانه‌های آمریکا انگلستان و دیگر کشورهای غرب در جهانی دانستن یا بومی خواندن هنرمندان کشورهای چینی کره و خاورمیانه موجب گسترش شک و تردید نسبت به هنر جهانی گردیده است. به عنوان مثال موزه‌ها و نگارخانه‌های غرب آثار گروهی از نقاشان چینی را برجسته کرده و آن را هنر جهانی شده چین فرا خوانده‌اند.

لیکن آیا این نقاشی‌ها و بازتاب ذهنیت انتقادآمیز و عیب‌جویانه برخی از نقاشان جوان چین است که هنوز نتوانسته‌اند به راه‌حلی برای مسائل حاصل از دگرگونی‌های سیاسی اجتماعی فرهنگی جامعه معاصر چین دست یابند؟ زبان تجسمی این نقاشی‌ها برگرفته از رئالیسم سوسیالیستی چین و پاپ آرت آمریکایی است در واقع غرب مشوق شکل خاصی از نقاشی چینی است که با تبلیغات رسمی و حکومتی چین گمان می‌کنند که آثارشان جهانی است و دغدغه‌های بشری دارد.

حال آنکه آنچه تولید می‌کنند و غرب خریداران است هنری تبلیغاتی است اما این بار به سود غرب است که مصرف‌گرایی سرمایه‌داری را در یک کشور

کمونیستی تبلیغ می‌کند (5).

پژوهشگر نگاه موازی به جریان‌های هنری نقاشی دارد. در موارد مطرح شده در همین بخش نقاشی انتزاعی به‌عنوان یک حرکت و جنبش هنری است که توسط هنرمندان آوانگارد قرن بیستم مطرح شد.

به‌ویژه مکتب نیویورک که درصدد ابطال بازنمایی عالم مشهود و رهایی از بازنمایی صرف ابژکتیو است. در واقع نقاشی نگاه کاملاً سوژکتیویستی و فرمالیستی به پیرامون خود دارد که می‌توان از طریق این سبک تمامی تفکرات فرهنگی و سنتی جوامع را از طریق این شیوه نقاشی در یک قالب جدید و غیرقابل لمس ایجاد کرد و به شبکه‌ای از مخاطبان جهانی دست پیدا کرد. از دیگر نکات ویژه در غرب، توجه به ترویج سبک سوسیالیسم اجتماعی و شیوه پاپ آرت می‌باشد که در پس لایه‌های پنهان سبک‌های مذکور فرهنگ مصرف‌گرایی و نظام سرمایه‌داری کاملاً محسوس می‌باشد.

در واقع نقاشی در این دوران از وظیفه تاریخی و تصویرسازی فاصله گرفته و در کسوت یک رسانه ظاهر شد انقلابی با گسترش سیر موج مفهوم‌گرایی در جهان هنر معاصر به وقوع پیوست نقطه تقارن بود با آنچه که دقیقاً یک قرن پیشتر با واژه ویرانگر مدرنیست تا بر پیکره رمانتیک قرن نوزدهم وارد آمده بود هنر مفهومی با طرح مسائلی چون زبان هویت و ارائه و یا نفی استقلال ذاتی اثر هنری مرزهای جدیدی را برای هنر ترسیم کرد این موج طوفانی بعدها با اشارات مهمی در مورد رابطه هنر با دیگر اشکال تجربه فرهنگی در جامعه معاصر پیوند خورد و ابداعات نوینی در بیان هنری را باعث شد (6).

در حقیقت پدیدار شدن مرزهای جدید در دنیای هنر معاصر ارتباط مستقیمی با پدیده انسان معاصر دارد انسان هوشمندی که در قرن بیستم زیست می‌کند. و نسبت به سایر گونه‌های خویش در ادوار گذشته یعنی انسان مجیک، انسان سنتی، انسان مدرن و انسان پست‌مدرن و انسان معاصر که از یک رشد اساسی برخوردار گردیده است و در جایگاه بالایی از هوش قرار دارد و در تمام جنبه‌های زندگی‌اش نظیر مذهب فرهنگ علم هنر کاملاً محسوس می‌باشد به‌طور مثال در زبان هنر می‌توان به تفکرات مینیمالیستی این انسان اشاره کرد که به‌نوعی تجدید حیات و روحیات کلاسیک در برابر درون‌مایه احساسی نقاشی آبستره اکسپرسیونیسم بود و پیوسته در خلق یک فضای پیشرفته صنعتی آری از پراکندگی بدون مرکزیت و یک تجربه آکنده از نظم و یکپارچگی را دنبال می‌کرد این جریان ابتدا در قالب احجام خالص هندسی ظاهر شد اما به‌تدریج نفوذ آن در همه‌جا فراگیر شد و گستره بسیار وسیعی شامل طراحی صنعتی معماری و مد را نیز در بر گرفت (6).

هنر نقاشی در گفتمان جهانی‌شدن یا بین‌المللی‌شدن

برخی جهانی‌شدن^۱ را معادل بین‌المللی‌شدن^۲ یعنی افزایش حجم تعاملات سیاسی دولت‌ها و مبادلات اقتصادی میان مرزهای سرزمینی در نظر گرفتند و برخی دیگر جهانی‌شدن را معادل آزادسازی^۳، یعنی رفع موانع و محدودیت‌های موجود در مقابل جریان دادوستد یا سرمایه قلمداد کرده‌اند. برخی نیز جهانی‌شدن را معادل یونیورسالیسم یعنی پذیرش ایده‌ها و اصول توسط همگان در سطح جهانی می‌دانند (7).

تمامی دیدگاه‌های مذکور به‌رغم شباهت‌ها و تفاوت‌هایی مهمی که دارند، به مفهوم بین‌المللی‌شدن مبتنی بر مناسبات سیاسی میان دولت‌ها نزدیک‌تر هستند. در دنیای امروز، با جهانی‌شدن و تغییرات سریع، رویکرد فرهنگی برای کشف و درک تنوع فرهنگ‌ها، تعاملات و تأثیر آن‌ها بر جامعه بسیار مهم است. در

1. globalization
2. internationalization
3. liberalization

تحقیقات انجام شده بر اساس ترکیبی از روش‌ها از جمله تحلیل ادبیات، مطالعات تجربی و تحلیل فلسفی، درک جامع از تأثیر هنر و علوم انسانی در شکل‌گیری رویکرد فرهنگی و جهانی شدن بدست آمده (8).

با توجه به اینکه مفهوم یونیورسالیسم، جهانی‌شدن مبتنی بر مفاهیم علوم انسانی نظیر حقوق بشر آزادی برابری و به‌طور اخص بسط و گسترش ارزش‌های نهفته در تولیدات آثار هنری (هنرهای آوایی، دراماتیک، پلاستیک) تعریف می‌شوند. لذا به دنبال نمونه‌ها و مواردی خواهیم بود که در هنر نقاشی در زیرگروه هنرهای پلاستیک قرار بگیرد را شناسایی کنیم و از طریق تجزیه و تحلیل آثار مربوطه مفهوم جهانی‌شدن در هنر نقاشی را تا حدی آشکار کنیم.

مؤلفه‌های مؤثر بر روند جهانی‌سازی هنر و هنرمندان نقاش

بر اساس مطالعات صورت گرفته در بخش مبانی نظری پژوهش به‌ویژه در بخش ادبیات پژوهش به این مهم پی بردیم که در روند تولید یک یا مجموعه آثار نقاشی بر اساس مؤلفه‌های مطرح جهانی همواره دو گروه کلی وجود دارد که می‌توان بر اساس آن به تبیین شاخص‌های اصلی و مؤثر بر جهانی‌سازی هنر و هنرمندان دست پیدا کرد.

گروه اول عبارتست از «عوامل مرتبط با اثر» که شامل بسترهای تولید اثر، ساختار اثر نقاشی و تأثیرات اثر نقاشی می‌باشد و گروه دوم عبارتست از «عوامل خارج از اثر» که استراتژی‌های مؤلف اثر نقاشی، مراکز پرورش و معرفی از طریق نقاشی، جایگاه اثر نقاشی در جهان را شامل می‌شود. لازم به ذکر است پس از مطالعات صورت گرفته به‌صورت کتابخانه‌ای، پژوهشگر شاخص‌های متعددی را از مقالات روز استخراج کرده است که در ذیل گروه‌های فوق و در قالب یک دسته‌بندی شش‌گانه تقسیم‌شده‌اند که در ادامه به معرفی و بسط این مفاهیم و شاخص‌ها پرداخته خواهد شد.



شکل ۱. دسته‌بندی شاخص‌ها به دو دسته عوامل مرتبط و خارج اثر

بسط و ارزیابی شاخص‌های گروه اول (عوامل مرتبط با اثر)

۱. بسترهای تولید اثر؛

هویت فرهنگی؛ جدای از تعاریف مرسوم امروزه به‌عنوان یکی از شاخص‌های مطرح در تولید اثر با رویکرد جهانی‌سازی هنر مطرح می‌باشد؛ که در دوران

معاصر به دست هنرمندان و فرهیختگان رسیده است.

در حقیقت هنر در سراسر مرزهای فرهنگی شکل می‌گیرد و نه صرفاً در دوران‌ها (9) و به عبارتی فرهنگ و هنر ابزار درک متقابل ملت‌ها است (10). در واقع فرهنگ ارجاعی آشکار به حیطه‌ای از تجربه شخصی و به‌ظاهر خصوصی دارد که به طرز چشمگیری بر معنا و عمل هنر اثر می‌گذارد. این‌ها نخستین مرحله‌های ضابطه‌بندی مفهوم فرهنگ‌اند ولی گسترش تاریخی آن نیز کم اهمیت‌تر نیست (11).

توجه به گوهر هنر؛ مقوله که از بعد فلسفی و نقد هنر همواره جایگاه ویژه‌ای داشته است؛ و در چرخه سیستم فرهنگ‌ها مورد توجه بوده است؛ مانند آنچه در طول تاریخ هنر اتفاق افتاد به‌طور مثال در آثار میک‌آنژ یا در اسکس‌های لئوناردو از گرداب‌ها یا در التفات عاشقانه کاراواجو به پاشنه‌های کتیف پاهای مسیح در رنسانس چیزی اتفاق افتاد چیزی که از درون جوشید و بر ضد قیود صدها ساله خروشید و جودی که برگرد کنجکاو می‌ل، فردیت و توجه مستمر به جهان مادی و مطالبات بدن تنیده بود. شاید سخت به توان چرخش فرهنگی را که در اینجا رخ داده تعریف کرد، همان‌گونه که اهمیت این چرخش فرهنگی به‌شدت محل بحث و مناقشه بوده است؛ اما وقتی به تابلوی دوچر^۱ از باکره بر تخت نشسته و پریماورا (فصل بهار) اثر بوتیچلی^۲ نگاه می‌کنید چرخش مورد اشاره را نیز می‌توانید دریابید. برغم آنکه چرخش مورد اشاره روشن‌تر از همه در آثار هنری قابل مشاهده است. گذر از یک شیوه درک و زیستن در جهان به شیوه‌های دیگر منحصر به فرد حوزه هنر و زیباشناسی نبود؛ این چرخش به ما در فهم و توضیح و تهور فکری کسانی مانند کوپرنیک^۳ و وصالیوس^۴، اسپینوزا^۵ و غیره کمک می‌کند (12).

توجه به ناخودآگاه جمعی؛ نیز از شاخص‌های موثر و مولد سبک و شیوه‌های جدید. در امر هنر جهانی بوده است؛ که نمونه‌های بسیاری از آن را در تاریخ هنر (سبک‌های عام) و آثار هنرمندان معاصر (سبک‌های خاص) دیده ایم.

البته غالب جریانهای نوگرا در هنر محصول همفکری و همسوئی هنرمندان پاتوق نشین؛ بوده است. به نوعی پاتوق نشینی به منزله نوعی مقاومت منفی در مقابل ساختار رسمی است و عمل افراد در پاتوق تعارض گونه با دو جهت ویران گرانه و نوجویانه می‌باشد (13).

۲. ساختار اثر نقاشی؛

زیبایی‌شناسی؛ از پارامترهای چالش انگیز در ساختار اثر محسوب میشود که توسط بومگارتن در نیمه دوم سده هجدهم مطرح شد. در واقع استاتیک یا زیبایی‌شناسی اثر مسئله مهمی است که هنر نقاشی به ویژه نقاشی سنتی را درگیر این مفهوم میکند. در حالیکه نقاشی مدرن و آوانگارد بیشتر بدنبال مفهوم و محتوا می‌باشد. در واقع زیبایی‌شناسی مانند سخن مقتدری است که هنر را از تاریخ جدا میکند، خود محصول روزگار مدرن است هنر غیر زیبایی‌شناسانه یعنی هنر تاریخی را هایدگر «هنر بزرگ» می‌نامد و مدرنیته با مرگ هنر بزرگ زاده شده است، با ظهور مدرنیته دیگر هنر بزرگ نبود. کشف راز هستی نبود، مگر در مواردی سخت و کمیاب یعنی مواردی که برخلاف این قاعده، اثر هنری شکل گرفت و چیزی از راز هستی کشف شد (14).

هرچند که تجزیه و تحلیل و ترجیحات مردم در مورد جهت‌گیری نقاشی‌ها شواهد محکمی را برای آنچه به‌عنوان جلوه مایل زیبایی‌شناختی آشکار کرده است. بطور مثال خطوط افقی و عمودی از نظر زیبایی‌شناختی بر خطوط مورب و نقاشی هم توسط هنرمندان و هم کسانی که آثارشان را مشاهده می‌کنند ترجیح داده می‌شود (15) و تعابیری از این دست که می‌تواند راهکار موثری در بکارگیری اصول فرم و طرح باشد. و در یک اثر نقاشی جهان‌شمول مورد استفاده قرار بگیرد.

1 . Duccio di Buoninsegna
2 . Sandro Botticelli
3 . Nicolaus Copernicus
4 . Andreas Vesalius
5 . Baruch Spinoza

گلابیل نیز زیبای را در فرم معنی دار می‌داند معتقد است، بکارگیری مجموعه‌ای از خطوط و رنگهاست که عاطفه زیباشناختی را بر می‌انگیزد (16) توجه به جریان فرمالیستی محض در اثر (2).

در واقع مفهوم فرمالیستی یا عبارتی غریبه سازی در هنر اولین بار توسط شکلوفسکی منتقد روسی در سال ۱۹۲۱ مطرح شد، عاملی که امروزه دست آویز بسیاری از نقاشی‌های مدرن و و آوانگارد قرار گرفته است. هر چند امروزه این واژه (غریبه سازی) توسط منتقدان آمریکایی به آشنایی زدایی تغییر کرده است و بیشتر برای آثاری با رویکرد فرمالیستی بکار می‌رود (17).

نقش نمایشگاه داران در جایگاه واقعی اثر نقاشی؛ نمایشگاه داران به عنوان بخشی از شبکه پیچیده کنشگران اجتماعی محسوب می‌شوند که تابلوها و آثار نقاشان را در معرض عموم می‌گذارند. منتقدان هنر که بر آن شرح می‌نویسند کارشناسان که از اثر را شناسایی می‌کنند، ناشران و رسانه‌هایی که اثر را فراگیر می‌کنند و مخاطبانی که به تماشای اثر می‌روند، شبکه کنش‌های متقابل این عاملان «دنیای هنر» را می‌سازد (1).

- **حفظ هویت بصری اثر نقاشی،** عاملی که هنرمند بومی می‌تواند با به کارگیری آن خود را از قید و بند قواعد بین‌الملل و حراجی‌ها آزاد کند و آثاری درخور برای ارائه به هنر جهانی داشته باشد (2).

۳. تأثیرات اثر نقاشی

سبک در واقع طرز تفکر هنر آفرین می‌باشد که با چگونگی تصویرسازی‌های او و طرز بیان هنر آفرین ارتباط مستقیم دارد. سبک‌ها معمولاً در غالب ژانرهای مختلفی ارائه می‌شود. ژانرها با مفاهیم و مضامین اسطوره‌ای، پرتره نگاری، منظره نگاری و غیره همراه می‌شوند. در حقیقت سبک و ژانرهای مختلف در نقاشی هرچند برای افراد غیر حرفه‌ای گیج کننده می‌باشد اما می‌توان مفهوم بازنمایی را برای ارزیابی کمی تعریف کنیم که یک نقاشی تا چه می‌تواند تواند ویژگی‌های خلاقیت یک هنرمند را نشان دهد (18).

فیلیپ کارال سالزمن در کتاب خود فهم فرهنگ به نقل از گریتز فرهنگ را به صورت یگانه چیزی می‌بیند که از طریق آن مردم جهان را درک و با آن ارتباط برقرار کرد از نظر گریتز خود فرهنگ نیز یک علت نیست فرهنگ به عنوان نظام‌هایی در هم تنیده از علائم و نمادهای قابل تفسیر، یک قدرت یعنی چیزی که بتوان وقایع، رفتارها، نهادها یا فرایندهای اجتماعی را به طور علی به آن نسبت داد نیست؛ فرهنگ یک زمینه است، یعنی چیزی که درون آن موارد یاد شده به وضوح و محکم توصیف شده‌اند (19). در تکمیل فرهنگ آشکار به حیطه‌ای از تجربه شخصی و به ظاهر خصوصی دارد که به طرز چشمگیری بر معنا و عمل هنر اثر می‌گذارد. این‌ها نخستین مرحله‌های ضابطه مندی مفهوم فرهنگ‌اند (11).

ساختار شکنی؛ از دیگر تأثیرات مهم در اثر نقاشی وجود مفاهیم چون ساختارشکنی در هنر می‌باشد. امری که به عمیق بودن پیام اثر نقاشی کمک می‌کند در واقع هنرمند نقاش برای رهایی از سطحی بودن اثر نقاشی با مفاهیمی چون ساختارشکنی دست و پنجه نرم می‌کند و این فرایند را، راهی برای دستیابی به هنر جهانی میدانند (20).

چند بعدی بودن اثر نقاشی؛ پیام‌های اثر و مفاهیم آن، ریشه در چند بعدی بودن اثر نقاشی دارد در حقیقت آثار نقاشی با وجوه مختلف و پیام‌های ریشه دار می‌تواند به زبان جهانی دست پیدا کند (20). عوامل مؤثر در افزایش ارتقا جایگاه نقاشی در جامعه؛ هر چند که اثر هنری به واسطه آفرینشگری هنرمند به دست

می‌آید اما مسئله اصلی توصیف شرايطی است که وجود هنرمند را در مقام یک تولیدکننده رازآمیز چیزی به نام اثر هنری ممکن می‌سازد، فاعل تولید اثر هنری همان تولیدکننده‌ای نیست که شی را به لحاظ مادی خلق میکند بلکه مجموعه عوامل و عاملانی است که دست اندرکاران جهان هنرند، (همانند کارگزاران متخصصین واسطه‌ها منتقدان مورخان هنر) و صاحبان مجموعه‌های هنری نهادهای ویژه‌ای تقدیس هنر آکادمی‌ها و محافل هنری تولیدکنندگان و مصرف کنندگان مدارس هنری و بازارهای تبلیغاتی و محل‌های نمایش موزه‌ها نمایشگاه‌ها که با شبکه‌ای از ضوابط یک کل سیستمی را تشکیل می‌دهند (1).

بسط و ارزیابی شاخص‌های گروه دوم (عوامل خارج از اثر)؛

۱. استراتژی‌های مولف اثر نقاشی؛

یکی از مولفه‌های بسیار مهم و اساسی عوامل خارج از اثر هنری **آشنایی با قواعد بازار بین‌الملل** می‌باشد که زیر شاخه استراتژی‌های مولف اثر محسوب میشود که لازم است هنرمند در این مسئله ورود کرده و با آشنایی با قواعد و فروش بازار بین‌المللی آثار، آشنا شود. صرفاً پرداختن به امر تولید چندان کارساز نمی‌باشد. همواره بازار هنر الگوهای رونق و رکود قابل توجهی را نشان می‌دهد (21).

مخاطبان خاص؛ در واقع یکی از نکات مهم در امر آشنایی با قواعد بازار بین‌الملل را می‌توان در مخاطبان خاص جستجو کرد زیرا تمرکز اصلی کیوریتورها و فروشندگان آثار هنری در سطح جهانی بر روی مخاطبان خاص می‌باشد. نظیر کلکسیون دارها و افرادی که نسبت به فرایند تولید اثر هنری و هنرمندان شناخت کافی دارد زیرا نقاشانی که در سطح جهانی فعالیت می‌کند به دنبال خلق آثار دکوراتیو و عامه پسند نمی‌باشند. هرچند آگاهی و شناخت از مخاطبان خاص از دارای اهمیت زیادی می‌باشد؛ اما مریدی معتقد است؛ این هنرمند است که کار خود را به مخاطب ارائه می‌دهد از این رو عادات انتظارات و الگوهای زیبایی شناختی مخاطب را در آفرینشگری مدنظر قرار می‌دهد مواجهه مخاطب با اثر یک مواجهه آزاد نیست بلکه هنرمند با برجسته سازی برخی عناصر در اثر و تاکید بر آن‌ها ادراک مخاطب را جهت دار و نیت مند می‌سازد این امر امکان فهم همدلانه بر مبنای مشترکات فرهنگی را بین مخاطب و هنرمند ممکن می‌سازد (1).

مشارکت در انجمن‌های هنری؛ هنرمندان به ویژه نقاشان در انجمن‌های هنری و آشنایی با هنرمندان شاخص و مطرح دنیا امری اساسی برای درک پارامترهای جهانی شدن می‌باشد، زیرا در چنین مراکزی گفتمان اساسی در خصوص فروش و نحوه نوین آثار بر اساس متودهای نوین می‌باشد. ازدیگر استراتژی‌هایی که مولف اثر نقاشی می‌تواند برای ارائه آثار خود در سطح جهانی به کار بگیرد. آشنایی با رسانه‌های نوین یا به عبارتی آگاهی از فضای مجازی و نحوه ارائه اثر در این بازار می‌باشد.

در حقیقت موضوع **دیجیتالی شدن بازار هنر معاصر** و ویژگی‌های کلیدی بازار هنر آنلاین امروزه در سه جنبه ارز دیجیتال، بلاک چین و هوش مصنوعی گفتمان اساسی می‌باشد؛ که پتانسیل کمک به توسعه و رشد بیشتر تجارت هنر آنلاین را دارد. فضای مجازی استعدادهای جدید و ایده‌های تجاری بزرگ را جذب می‌کند تا تجارت جهانی هنر را همه کاره تر و کارآمدتر کند (22).

یکی از شاخص‌های منفی در زمینه استراتژی‌های مولف اثر نقاشی، شاخص انزوا طلبی هنرمندان می‌باشد که مانع بسیار مهمی در **مشارکت نقاشان** در سطوح ملی و فراملی محسوب میشود. این گروه هنرمندان از نظر بکر در گروه هنرمندان مستقل قرار می‌گیرند. مستقل‌ها در واقع هنرمندانی هستند که قراردادهای دنیای هنر خود را به گونه‌ای ناپذیرفتنی محدود کننده می‌یابند و به نوآوری‌هایی دست می‌زنند که دنیای هنر از قبول آن‌ها امتناع می‌ورزد. اکثر مستقل‌ها بیرون از دنیای

هنر باقی مانده و فراموش می‌شوند، اما معدودی از آن‌ها با تأخیر و اغلب پس از مرگ به دنیای هنر برگشته و در آن پذیرفته میشوند. دنیای هنر به آن‌ها به چشم نابغه‌های ناشناخته نگاه میکند (23).

۲. مراکز پرورش و معرفی اثر نقاش

یکی از روابط مهم بین هنرمند و مخاطب اثر در جایگاه خریدار نقش ناظر یا کیوریتورها می‌باشد افرادی که بازار هدف را به خوبی می‌دانند و از هنر و هنرمند شناخته کافی دارد در واقع حلقه اتصال بین هنرمند و مخاطب می‌باشند،

ادوارد وینکللمن صاحب گالری و نویسنده کتاب فروش هنر معاصر به واژه صنعت معامله اشاره دارد وی معتقد است صاحبان گالری فروشندگان و هنرمندانی که تحت تأثیر نوآوری‌های سریع در هنر قرار گرفته‌اند ضروری است. این کتاب جدید با بررسی پیچیده بازار هنر معاصر امروز از دیدگاه یک فروشنده هنری بر تغییرات اخیر در بازار به سرعت در حال تحول تمرکز دارد (24).

تاریخ هنر سنتی و معاصر شاهد مراکز معتبر در جهت آموزش آگاهانه هنر با رویکرد پرورش و معرفی آثار فاخر بوده است، یانکوفسکی نیز در مقاله تأثیر خلق و خو تخصص در هنر و عناصر رسمی نقاشی در ارزیابی زیبایی شناختی به این موضوع اشاره دارد که الگوهای فعال سازی مغز متمایز را می‌توان مشاهده کرد که با ترجیح زیبایی شناختی فرهنگ خود، در برابر فرهنگ دیگر مطابقت دارد (8، 15).

نقش نمایشگاه داران در جایگاه واقعی اثر نقاشی؛ تنها مرجع اصلی و دارای اهمیت برای عرضه هنر نقاشی نمایشگاه یا همان گالری‌ها می‌باشند که به شکل تخصصی طراحی و نورپردازی شده اند تا ضمن دادن شأن و منزلت به اثر هنری، محلی برای فروش آثار در قالب یک سیستم اداری باشد.

نقش منتقدان در جایگاه واقعی اثر نقاشی؛ در حقیقت منتقدان آثار هنری با هدف جدا کردن سره از ناسره یا به عبارتی تشخیص اثر اصیل و دارای هویت بصری و فرهنگی تأثیر بسزایی در معرفی آثار نقاشی با اشل جهانی.

۳. جایگاه اثر نقاشی در جهان

یکی از ویژگی‌های شاخص اثر نقاشی بعد مرز گذر بودن می‌باشد، در حقیقت آثار نقاشی به واسطه زبان مشترکی که دارند به ویژه نقاشی معاصر قابل درک و فهم‌تر نسبت به سایر هنرها می‌باشند. لذا از سویی بسیاری از فرهنگ‌ها پذیرفته می‌باشد؛ و مورد داد و ستد در سطح بین‌المللی قرار می‌گیرد. دیوید سون نیز در کتاب خود در صدد شناسایی هنرمندان چینی بر اساس مکان و نمایشگاه به سیاست مرزها در عصر هنر جهانی می‌پردازد. وی با تجزیه و تحلیل مولفه‌های تاریخی نمایشگاه‌های جهانی، پیوندهای ساختاری بین هنر، فرهنگ، سرمایه و ملت را آشکار می‌کند (25).

اسطوره سازی هنرمند نقاش، در تمدن باستانی غرب صفات هنرمندان به قهرمان نزدیک بوده و مردم همواره افسانه‌هایی در خصوص انجام کارهای خارق العاده توسط آن‌ها طرح می‌کردند، اما در تمدن شرق اسطوره برگرد قهرمان نمی‌چرخد بلکه اغلب مردم هنرمند را با قدیسان همسان می‌کنند و تصویر جمعی از هنرمند به عنوان فردی وارسته با خصوصیات اخلاقی والاست (9).

اما مریدی معتقد است در بررسی جامعه شناسانه هنر ابتدا باید به اسطوره زدایی از هنرمند به عنوان قهرمان، مقدس و نابغه پرداخت. باید بی هیچ اغراقی هنرمند به عنوان یک فرد اجتماعی مورد نظر قرار گیرد (1) در حالیکه تمایل بسیاری از فرهنگ‌های معاصر نظیر جوامع نوینباد (قاره آمریکا) بالاخص مکتب

نیوپورک به اسطوره سازی هنرمند می‌باشد تا از این طریق به بهره‌برداری‌های اقتصادی و فرهنگی دست پیدا کنند. هر چند که تبدیل شدن یک هنرمند به اسطوره، دور از دسترس نیست.

دهکده جهانی، جهان رها شده

دهکده جهانی نظریه ارزشمندی که سالهاست از سویی متخصصین علوم انسانی مطرح شده است و تأثیرات مثبتی را در جوامع توسعه یافته از خود به جا گذاشته است. یکی دیگر از پارامترهای بسیار مهم در جهان‌شمول شدن هنرمند نقاش، نقش مخاطبان جهانی هنر می‌باشد که می‌توانند با برگزاری فستیوال‌ها، همایش‌ها و بزرگداشت‌ها، به جهان‌شمول شدن یک هنرمند یا اثر نقاشی کمک کنند. نقش تجارت بین‌الملل در ارتقاء اثر نقاشی و هنرمند نقاش به‌عنوان یک فنومن در سطح جهانی غیر قابل انکار می‌باشد چه بسا بدون این وزنه مهم، امر جهان‌شمولی برای هنرمندان نقاش، امری دور از دسترس بحساب آید.

نقش نظام‌های سیاسی قدر مسلم یکی از دستاویزهای سیاستمداران در حوزه رسانه و هنر می‌باشد. به نوعی تریبونی مستحکم برای تایید صلاحیت سیاستمداران دربقا و ماندگاری بوده که توسط بسیاری از هنرها به ترتیب اهمیت سینما، موسیقی، نقاشی، و غیره... انجام میگیرد.

پایداری اثر نقاشی، آنچه مسلم است آثار نقاشی ردپای مستحکمی در طول تاریخ از خود به جا گذاشته اند از نقاشی‌های کشف شده در غارها مربوط به ۱۵ هزار سال قبل از میلاد تا نقاشی‌های به جا مانده در ادوار تاریخی نظیر صدر مسیحیت تا دوران معاصر. از این حیث می‌توان هنر نقاشی را به‌عنوان یک هنر جهانی و جهان‌شمول یاد کرد که نسبت به سایر هنرها از ماندگاری بیشتری برخوردارند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های توصیفی و تحلیلی می‌باشد؛ زیرا مسئله‌ای را مورد توجه قرار می‌دهد که قبلاً با این نگاه به آن پرداخته نشده است.

در چنین پژوهشی به جای آزمون فرضیه، هدف جمع‌آوری الگوها و ایده‌ها برای یافتن درک عمیقی از موضوع است برای این منظور از رویکرد آمیخته استفاده شد؛ که هدف آن ترکیب روش‌های پژوهش کمی و کیفی برای دستیابی به روشی مناسب جهت دستیابی به اهداف پژوهش است به این منظور ابتدا به گردآوری داده‌های کیفی با استفاده از روش مطالعات کتابخانه‌ای پرداخته شد و سپس سعی گردید تا از روش دلفی برای رتبه بندی شاخص‌های بهره‌گیری شود. در این راستا ابتدا در نتیجه بازنگری ادبیات موضوع مهمترین عوامل برای رفتارشناسی هنرمندان حرفه‌ای و مستقل نقاش از منظر جامعه‌شناسی با رویکرد جهانی‌شدن، بیش از ۴۷ شاخص استخراج گردید و سپس در قالب روش دلفی و با استفاده از ابزار پرسشنامه، در سه مرحله و مبتنی بر روش گلوله برفی با نمونه آماری شامل ۲۵ کارشناس و متخصص در حوزه هنر معاصر مورد سنجش و رتبه بندی قرار گرفت که در قالب جدولی در پایان پژوهش ارائه گردیده است. ضمناً برای ضریب همبستگی از شاخص‌های معناداری و برای تطابق قابل قبول به نظرات در آزمون دلفی، از ضریب دلیوی کندانل بهره برده شده است.

پس اشاره کلی به روش پژوهش در ادامه به جزییات بیشتر روش اشاره می‌گردد. اولین گام در این پژوهش شناسایی مهم‌ترین شاخص‌های مؤثر بر جهانی‌سازی هنر و هنرمندان نقاش می‌باشد. برای این منظور طی یک بررسی مبانی نظری، عمده‌ترین شاخص‌های مؤثر در جهانی‌سازی هنر و هنرمندان نقاش، استخراج گردید.

سپس این شاخص‌های بر اساس یک اجماع نظر از کارشناسان و متخصصان با استفاده از روش دلفی مورد تحلیل قرار گرفت که در ادامه به این فرایند و نتایج آن اشاره شده است.

شاخص‌های شناسایی شده در نتیجه بررسی مبانی نظری (جدول ۱) در اختیار گروهی از کارشناسان و متخصصان حوزه نقاشی در سراسر کشور قرار گرفت. با توجه به محدودیت‌های دسترسی به این افراد، از روش گلوله برفی برای جمع‌آوری اطلاعات در این بخش استفاده شد. در این راستا، شاخص‌ها طی سه مرحله در اختیار کارشناسان و متخصصان قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد تا ضمن تعیین میزان اهمیت هر یک از شاخص‌ها، نظرات تکمیلی خود را بیان کنند. پس از انجام، اصلاحات پیشنهادی و جمع بندی نظرات، شاخص‌های قدیم، اصلاح شده و شاخص‌های جدید، پرسشنامه دور دوم را تشکیل می‌دهند. مقایسه نتایج دو مرحله اول و دوم، برای غربال سازی شاخص‌ها به کار برده می‌شود. اگر اختلاف میانگین نظرات برای یک شاخص در دو دوره نظرسنجی، کمتر از مقدار استاندارد ۰/۱ باشد (میرسپاسی و دیگران ۱۳۸۹، ۱۸)، می‌توان گفت اعضای گروه کارشناسان و متخصصان در رابطه با آن شاخص به جمع بندی رسیده اند. لذا، نظرسنجی درباره شاخص‌های مذکور متوقف می‌گردد و مرحله سوم برای سایر شاخص‌ها انجام می‌شود. از سوی دیگر، از بین شاخص‌هایی که اتفاق نظر بر روی آن‌ها حاصل شده است (اختلاف کمتر از ۰/۱)، هر شاخصی که در نتیجه ارزشیابی کارشناسان و متخصصان امتیاز (میانگین) حداقل ۴ را داشته باشد، به عنوان شاخص با اهمیت در مجموعه فرایند باقی می‌ماند و در غیر این صورت قابل حذف و کنارگذاری می‌باشند.

دو مورد بیان شده (تست ۰/۱ و حذف شاخص بی اهمیت) در مرحله سوم نیز صورت می‌گیرد. بر اساس منطق روش دلفی، معیار اختلاف میانگین، دو تکرار آخر می‌باشد. بدین معنی که در مرحله سوم، اختلاف بین میانگین امتیازات در دور دوم و سوم مقایسه می‌گردند. این فرایند تا زمانی که تمامی اختلافات کمتر از ۰/۱ شود، ادامه می‌یابد.

یافته‌ها

دور اول روش دلفی، در پرسشنامه دلفی از پاسخ دهندگان (کارشناسان و متخصصان) خواسته شد تا میزان تأثیر هر یک از ۴۸ شاخص‌ها بر جهانی سازی هنر و هنرمندان نقاش را با انتخاب یکی از گزینه‌های موجود اعلام کنند. این گزینه‌ها به صورت طیف لیکرت بوده است.

جدول ۱. شاخص‌های مؤثر در جهانی سازی هنر و هنرمندان نقاش (استخراج شده از مبانی نظری)

ردیف	مضمون	شاخص
۱	بسترهای	توجه به ناخودآگاه جمعی
۲	تولید اثر	پاتوق‌های هنری
۳		نگاه هستی شناسانه جوامع به گوهر هنر
۴		هویت فرهنگی
۵		شرایط اقلیمی
۶		بستر اجتماعی و سیاسی
۷	ساختار اثر	متریال‌های بکارگرفته شده
۸	نقاشی	تکنیک اثر
۹		روند خلق اثر

زیبایی‌شناسی اثر	۱۰
یکپارچگی معنای اثر	۱۱
توجه به محتوای اثر	۱۲
ترکیب بندی	۱۳
چندبعدی بودن اثر نقاشی	تاثیرات اثر ۱۴
عمقی بودن پیام اثر نقاشی	نقاشی ۱۵
همگام سازی فرهنگ ها	۱۶
ایجاد سبک و ژانرهای هنری	۱۷
درک ارزش سرمایه گذاری در نقاشی	۱۸
ارتقا درک جامعه هدف از هنر نقاشی	۱۹
توجه به نمادهای اقتصاد و اقتصاد هنر	استراتژی ۲۰
مشارکت در جوامع هنری	مولف اثر ۲۱
مخاطبان خاص	نقاشی ۲۲
ارایه در فضای مجازی	۲۳
چشم انداز و اهداف	۲۴
ایده پردازی	۲۵
استراتژی‌های ارتباطی	۲۶
جهان‌بینی و ایدیولوژی هنرمند	۲۷
آشنایی با هنرمندان شاخص و مطرح دنیا	۲۸
آموزش آگاهانه	مراکز ۲۹
نقش ناظر (کیوریتوری)	پرورش و ۳۰
برگزاری نمایشگاه‌های بین‌الملل	معرفی اثر ۳۱
نقش نمایشگاه داران در جایگاه واقعی اثر نقاشی	نقاشی ۳۲
نقش منتقدان در جایگاه واقعی اثر نقاشی	۳۳
نقش کارشناسان کارشناسان و متخصصان و اهدا جوایز در ارتقا اثر نقاشی	۳۴
تاثیر بزرگداشت ها	۳۵
نقش و جایگاه حراجی ها	۳۶
کلکسیونر دارها	۳۷
حضور هنرمند در نمایشگاه‌ها و موزه‌های مطرح دنیا	۳۸
پایداری اثر نقاشی	جایگاه اثر ۳۹
نقش نظام‌های سیاسی	نقاشی در ۴۰
نقش تجارت بین‌الملل	جهان ۴۱
همسان سازی آثار نقاشی در مقیاس جهانی	۴۲
عملکرد موزه‌ها و ارتباط آن با هنرمندان	۴۳
نقش مخاطبان جهانی هنر	۴۴

درک دهکده جهانی	۴۵
مرزگذر بودن اثر نقاشی	۴۶
توجه به شان هنر نقاشی در جهان	۴۷
پیروی از قوانین جهان هنر نقاشی	۴۸
اسطوره سازی هنرمند نقاش	۴۹

جدول ۲. توصیف آماری پاسخ دهندگان (دلفی دور اول)

شاخص	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	ترتیب اهمیت
توجه به ناخودآگاه جمعی	۲۵	۳/۳۲	۱/۰۵	۳۱
پاتوق‌های هنری	۲۵	۳/۷۰	۱/۱۰	۱۱
نگاه هستی‌شناسانه جوامع به گوهر هنر	۲۵	۳/۲۶	۱/۱۲	۳۵
هویت فرهنگی	۲۵	۳/۹۴	۱/۰۰	۲
شرایط اقلیمی	۲۵	۳/۱۰	۱/۱۳	۴۵
بستر اجتماعی و سیاسی	۲۵	۳/۷۴	۱/۳۱	۶
متریال‌های بکارگرفته شده	۲۵	۳/۱۸	۱/۱۲	۴۲
تکنیک اثر	۲۵	۳/۲۱	۱/۱۱	۳۸
روند خلق اثر	۲۵	۳/۳۸	۱/۱۰	۲۷
زیبایی‌شناسی اثر	۲۵	۳/۶۶	۱/۰۳	۱۳
یکپارچگی معنای اثر	۲۵	۳/۳۲	۱/۲۱	۳۲
توجه به محتوای اثر	۲۵	۴/۰۰	۱/۰۸	۱
ترکیب بندی	۲۵	۳/۵۳	۰/۹۸	۱۶
چندبعدی بودن اثر نقاشی	۲۵	۳/۲۱	۰/۸۳	۳۹
عمقی بودن پیام اثر نقاشی	۲۵	۳/۴۴	۱/۱۰	۲۳
همگام سازی فرهنگ‌ها	۲۵	۳/۲۹	۱/۰۴	۳۴
ایجاد سبک و ژانرهای هنری	۲۵	۳/۱۵	۱/۰۲	۴۳
درک ارزش سرمایه گذاری در نقاشی	۲۵	۳/۲۱	۱/۲۴	۴۰
ارتقا درک جامعه هدف از هنر نقاشی	۲۵	۳/۴۷	۱/۳۳	۲۰
توجه به نمادهای اقتصاد و اقتصاد هنر	۲۵	۳/۲۴	۱/۱۷	۳۶
مشارکت در جوامع هنری	۲۵	۳/۵۷	۱/۱۹	۱۵
مخاطبان خاص	۲۵	۳/۳۵	۱/۱۷	۲۸
ارایه در فضای مجازی	۲۵	۳/۱۵	۱/۱۶	۴۴
چشم انداز و اهداف	۲۵	۳/۳۲	۱/۱۲	۳۳
ایده پردازی	۲۵	۳/۵۹	۱/۰۷	۱۴
استراتژی‌های ارتباطی	۲۵	۳/۴۱	۱/۰۵	۲۵

۱۸	۱/۲۶	۳/۵۰	۲۵	جهان‌بینی و ایدیولوژی هنرمند
۴۶	۱/۲۶	۳/۱۰	۲۵	آموزش آگاهانه
۲۶	۱/۱۴	۳/۴۱	۲۵	نقش ناظر (کیوریتوری)
۴	۱/۲۰	۳/۷۶	۲۵	برگزاری نمایشگاه‌های بین‌الملل
۱۲	۱/۰۸	۳/۶۷	۲۵	نقش نمایشگاه داران در جایگاه واقعی اثر نقاشی
۱۷	۱/۰۶	۳/۵۳	۲۵	نقش منتقدان در جایگاه واقعی اثر نقاشی
۲۹	۱/۱۷	۳/۳۵	۲۵	نقش کارشناسان کارشناسان و متخصصان و اهدا جوایز در ارتقا اثر نقاشی
۴۱	۱/۰۳	۳/۲۱	۲۵	تاثیر بزرگداشت‌ها
۳۰	۱/۲۷	۳/۳۵	۲۵	نقش و جایگاه حراجی‌ها
۱۹	۱/۲۶	۳/۵۰	۲۵	کلکسیونر دارها
۲۱	۱/۰۷	۳/۴۷	۲۵	پایداری اثر نقاشی
۲۲	۱/۱۸	۳/۴۷	۲۵	نقش نظام‌های سیاسی
۷	۱/۰۸	۳/۴۷	۲۵	نقش تجارت بین‌الملل
۲۴	۱/۳۰	۳/۴۴	۲۵	همسان سازی آثار نقاشی در مقیاس جهانی
۵	۱/۴۱	۳/۷۴	۲۵	عملکرد موزه‌ها و ارتباط آن با هنرمندان
۸	۱/۲۱	۳/۷۴	۲۵	نقش مخاطبان جهانی هنر
۱۰	۱/۳۱	۳/۷۱	۲۵	درک دهکده جهانی
۹	۱/۲۳	۳/۷۴	۲۵	مرزگذر بودن اثر نقاشی
۳	۱/۱۳	۳/۸۸	۲۵	توجه به شان هنر نقاشی در جهان
۴۷	۰/۹۸	۳/۱۰	۲۵	پیروی از قوانین جهان هنر نقاشی
۳۷	۱/۱۵	۳/۲۴	۲۵	اسطوره سازی هنرمند نقاش

چنانچه در جدول (۲) مشاهده می‌شود، در سنجش دور اول بیشترین امتیاز (اهمیت) به شاخص‌های «توجه به محتوای اثر، هویت فرهنگی و توجه به شان هنر نقاشی در جهان» و کمترین امتیاز به شاخص‌های اهمیت «شرایط اقلیمی، ایجاد سبک و ژانرهای هنری، ارایه در فضای مجازی، آموزش آگاهانه و پیروی از قوانین جهان هنر نقاشی» داده شده است.

در بخش اول از پرسشنامه دور دوم روش دلفی، مجموعه شاخص‌هایی ارائه گردید که به استناد مرحله اول دلفی به‌عنوان شاخص‌های مؤثر بر جهانی‌سازی هنر و هنرمندان نقاش تشخیص داده شد. بخش دوم پرسشنامه نیز به پرسش در خصوص اهمیت شاخص‌ها در حالت اصلاح شده و جدید می‌پردازد که اصلاحات آن شامل اضافه گردیدن شاخص‌های «آشنایی با هنرمندان شاخص و مطرح دنیا و حضور هنرمند در نمایشگاه‌ها و موزه‌های مطرح دنیا» می‌باشد.

جدول ۳. توصیف آماری پاسخ دهندگان (دلفی دور دوم)

شاخص	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	ترتیب اهمیت
توجه به ناخودآگاه جمعی	۲۵	۳/۰۰	۱/۰۶	۴۰
پاتوق‌های هنری	۲۵	۳/۷۸	۱/۱۰	۱۴
نگاه هستی‌شناسانه جوامع به گوهر هنر	۲۵	۳/۵۹	۱/۳۳	۳۰
هویت فرهنگی	۲۵	۰/۰۴	۱/۰۵	۴
شرایط اقلیمی	۲۵	۲/۸۹	۱/۳۰	۴۳
بستر اجتماعی و سیاسی	۲۵	۳/۷۸	۱/۳۵	۱۳
متریال‌های بکارگرفته شده	۲۵	۲/۸۱	۱/۳۵	۴۵
تکنیک اثر	۲۵	۳/۰۴	۱/۲۳	۳۶
روند خلق اثر	۲۵	۳/۰۰	۱/۰۷	۳۹
زیبایی‌شناسی اثر	۲۵	۳/۷۴	۱/۰۷	۲۱
یکپارچگی معنای اثر	۲۵	۳/۷۴	۱/۰۷	۲۰
توجه به محتوای اثر	۲۵	۴/۱۹	۰/۸۶	۲
ترکیب بندی	۲۵	۳/۵۹	۱/۰۹	۲۹
چندبعدی بودن اثر نقاشی	۲۵	۲/۷۸	۱/۰۹	۴۸
عمقی بودن پیام اثر نقاشی	۲۵	۳/۹۶	۱/۴۲	۷
همگام سازی فرهنگ ها	۲۵	۲/۸۱	۱/۱۵	۴۴
ایجاد سبک و ژانرهای هنری	۲۵	۳/۰۰	۱/۲۴	۳۸
درک ارزش سرمایه گذاری در نقاشی	۲۵	۳/۰۰	۱/۱۷	۳۷
ارتقا درک جامعه هدف از هنر نقاشی	۲۵	۳/۸۱	۱/۳۳	۱۰
توجه به نمادهای اقتصاد و اقتصاد هنر	۲۵	۳/۳۳	۱/۲۳	۳۵
مشارکت در جوامع هنری	۲۵	۳/۶۷	۱/۱۱	۲۶
مخاطبان خاص	۲۵	۲/۷۸	۱/۴۶	۴۷
ارایه در فضای مجازی	۲۵	۳/۵۹	۱/۳۱	۲۸
چشم انداز و اهداف	۲۵	۳/۵۹	۰/۹۱	۲۷
ایده پردازی	۲۵	۳/۵۶	۱/۲۰	۳۲
استراتژی‌های ارتباطی	۲۵	۳/۷۸	۱/۱۷	۱۲
جهان‌بینی و ایدئولوژی هنرمند	۲۵	۴/۰۰	۱/۱۸	۵
آشنایی با هنرمندان شاخص و مطرح دنیا	۲۵	۳/۷۰	۰/۸۸	۲۲
آموزش آگاهانه	۲۵	۲/۹۳	۱/۳۴	۴۲
نقش ناظر (کیوریتوری)	۲۵	۳/۴۸	۱/۳۶	۳۳
برگزاری نمایشگاه‌های بین‌الملل	۲۵	۳/۷۴	۱/۵۱	۱۹
نقش نمایشگاه داران در جایگاه واقعی اثر نقاشی	۲۵	۳/۷۴	۱/۳۹	۱۸

۲۵	۱/۳۰	۳/۶۷	۲۵	نقش منتقدان در جایگاه واقعی اثر نقاشی
۴۶	۱/۳۷	۲/۷۸	۲۵	نقش کارشناسان کارشناسان و متخصصان و اهدا جوایز در ارتقا اثر نقاشی
۴۱	۱/۴۶	۲/۹۳	۲۵	تاثیر بزرگداشت ها
۲۴	۱/۴۲	۳/۶۷	۲۵	نقش و جایگاه حراجی ها
۳۱	۱/۴۲	۳/۵۶	۲۵	کلکسیونر دارها
۱	۱/۲۱	۴/۱۹	۲۵	حضور هنرمند در نمایشگاه ها و موزه های مطرح دنیا
۱۷	۱/۱۸	۳/۷۴	۲۵	پایداری اثر نقاشی
۲۳	۱/۲۹	۳/۶۷	۲۵	نقش نظام های سیاسی
۱۶	۱/۰۹	۳/۷۴	۲۵	نقش تجارت بین الملل
۱۱	۰/۸۶	۳/۷۸	۲۵	همسان سازی آثار نقاشی در مقیاس جهانی
۹	۱/۱۸	۳/۸۱	۲۵	عملکرد موزه ها و ارتباط آن با هنرمندان
۸	۱/۱۶	۳/۸۹	۲۵	نقش مخاطبان جهانی هنر
۱۵	۱/۲۱	۳/۷۴	۲۵	درک دهکده جهانی
۳	۱/۰۱	۴/۰۴	۲۵	مرزگذر بودن اثر نقاشی
۶	۰/۹۳	۳/۹۶	۲۵	توجه به شان هنر نقاشی در جهان
۴۹	۱/۱۵	۲/۷۴	۲۵	پیروی از قوانین جهان هنر نقاشی
۲۴	۱/۱۵	۳/۳۷	۲۵	اسطوره سازی هنرمند نقاش

بنابراین، در پرسشنامه دوم، لیستی از شاخص های جدید پیشنهادی (دو شاخص جدید) و شاخص های باقیمانده را تشکیل داد. پرسشنامه دور دوم دلفی (شامل ۴۹ شاخص) نیز به همان ۲۵ نفر تحویل داده شد که شاخص های مذکور به شرح جدول (۳) می باشند. چنانچه در جدول (۳) مشاهده می شود، در سنجش دور دوم بیشترین امتیاز (اهمیت) به شاخص «حضور هنرمند در نمایشگاه ها و موزه های مطرح دنیا و توجه به محتوای اثر» و کمترین امتیاز به شاخص «پیروی از قوانین جهان هنر نقاشی» داده شده است. شایان ذکر است مقایسه میانگین امتیازات شاخص ها در دور مرحله اول و دوم دلفی، در جدول (۴) آمده است.

با توجه به اطلاعات جدول (۴)، ۲۸ شاخص از پرسشنامه دور دوم کنار گذاشته شد که در این بین ۱۴ شاخص از قبیل «توجه به ناخودآگاه جمعی»، «شرایط اقلیمی»، «متریال های بکار رفته» و «روند خلق اثر» به دلیل امتیاز کمتر حذف و ۱۴ شاخص از قبیل «زیبایی شناسی اثر»، «پاتوق های هنری»، «ایده پردازی»، «عملکرد موزه ها و ارتباط آن با هنرمندان»، «توجه به نمادهای اقتصاد هنر» و «نقش ناظر (کیوریتوری)» نیز به دلیل اتفاق نظر جمعی مورد پذیرش قرار گرفتند و در مرحله سوم مورد سنجش قرار نمی گیرد.

جدول ۴. میزان اختلاف دیدگاه کارشناسان و متخصصان در نظرسنجی مرحله اول و دوم

شاخص	میانگین مرحله اول	میانگین مرحله دوم	اختلاف میانگین
توجه به ناخودآگاه جمعی	۳/۳۲	۳/۰۰	-۰/۳۲
پاتوق‌های هنری	۳/۷۰	۳/۷۸	۰/۰۸
نگاه هستی شناسانه جوامع به گوهر هنر	۳/۲۶	۳/۵۹	۰/۳۳
هویت فرهنگی	۳/۹۴	۴/۰۴	۰/۱۰
شرایط اقلیمی	۳/۱۰	۲/۸۹	-۰/۲۱
بستر اجتماعی و سیاسی	۳/۷۴	۳/۷۸	۰/۰۴
متریال‌های بکارگرفته شده	۳/۱۸	۲/۸۱	-۰/۳۶
تکنیک اثر	۳/۲۱	۳/۰۴	-۰/۱۷
روند خلق اثر	۳/۳۸	۳/۰۰	-۰/۳۸
زیبایی‌شناسی اثر	۳/۶۶	۳/۷۴	۰/۰۸
یکپارچگی معنای اثر	۳/۳۲	۳/۷۴	۰/۴۲
توجه به محتوای اثر	۴/۰۰	۴/۱۹	۰/۱۹
ترکیب بندی	۳/۵۳	۳/۵۹	۰/۰۶
چندبعدی بودن اثر نقاشی	۳/۲۱	۲/۷۸	-۰/۴۳
عمقی بودن پیام اثر نقاشی	۳/۴۴	۳/۹۶	۰/۵۲
همگام سازی فرهنگ ها	۳/۲۹	۲/۸۱	-۰/۴۸
ایجاد سبک و ژانرهای هنری	۳/۱۵	۳/۰۰	-۰/۱۵
درک ارزش سرمایه گذاری در نقاشی	۳/۲۱	۳/۰۰	-۰/۲۱
ارتقا درک جامعه هدف از هنر نقاشی	۳/۴۷	۳/۸۱	۰/۳۴
توجه به نمادهای اقتصاد و اقتصاد هنر	۳/۲۴	۳/۳۳	۰/۱۰
مشارکت در جوامع هنری	۳/۵۷	۳/۶۷	۰/۱۰
مخاطبان خاص	۳/۳۵	۲/۷۸	-۰/۵۸
ارایه در فضای مجازی	۳/۱۵	۳/۵۹	۰/۴۵
چشم انداز و اهداف	۳/۳۲	۳/۵۹	۰/۲۷
ایده پردازی	۳/۵۹	۳/۵۶	-۰/۰۳
استراتژی‌های ارتباطی	۳/۴۱	۳/۷۸	۰/۳۷
جهان‌بینی و ایدئولوژی هنرمند	۳/۵۰	۴/۰۰	۰/۵۰
آشنایی با هنرمندان شاخص و مطرح دنیا	***	۳/۷۰	***
آموزش آگاهانه	۳/۱۰	۲/۹۳	-۰/۱۷
نقش ناظر (کیوریتوری)	۳/۴۱	۳/۷۸	۰/۰۷
برگزاری نمایشگاه‌های بین‌الملل	۳/۷۶	۳/۷۴	-۰/۰۲
نقش نمایشگاه داران در جایگاه واقعی اثر نقاشی	۳/۶۷	۳/۷۴	۰/۰۷

نقش منتقدان در جایگاه واقعی اثر نقاشی	۳/۵۳	۳/۶۷	۰/۱۴
نقش کارشناسان خبره و اهدا جوایز در ارتقا اثر نقاشی	۳/۳۵	۲/۷۸	-۰/۵۸
تاثیر بزرگداشت ها	۳/۲۱	۲/۹۳	-۰/۲۸
نقش و جایگاه حراجی ها	۳/۳۵	۳/۶۷	۰/۳۱
کلکسیونر دارها	۳/۵۰	۳/۵۶	۰/۰۶
حضور هنرمند در نمایشگاه‌ها و موزه‌های مطرح دنیا	***	۴/۱۹	***
پایداری اثر نقاشی	۳/۴۷	۳/۴۷	۰/۲۷
نقش نظام‌های سیاسی	۳/۴۷	۳/۶۷	۲/۲۰
نقش تجارت بین‌الملل	۳/۴۷	۳/۷۴	۰/۰۱
همسان سازی آثار نقاشی در مقیاس جهانی	۳/۴۷	۳/۷۸	۰/۳۴
عملکرد موزه‌ها و ارتباط آن با هنرمندان	۳/۴۷	۳/۸۱	۰/۰۷
نقش مخاطبان جهانی هنر	۳/۴۷	۳/۸۹	۰/۱۵
درک دهکده جهانی	۳/۴۷	۳/۷۴	۰/۰۳
مرزگذر بودن اثر نقاشی	۳/۴۷	۴/۰۴	۰/۳۰
توجه به شان هنر نقاشی در جهان	۳/۸۸	۳/۹۶	۰/۰۸
پیروی از قوانین جهان هنر نقاشی	۳/۱۰	۲/۷۴	-۰/۳۶
اسطوره سازی هنرمند نقاش	۳/۲۴	۳/۳۷	۰/۱۴

دور سوم روش دلفی. در این دور، مشابه روش دور دوم عمل گردید و پرسشنامه این دور با ۲۱ شاخص توزیع که نتایج آن در جدول (۵) آمده است.

جدول ۵. توصیف آماری پاسخ دهندگان (دلفی دور سوم)

شاخص	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	ترتیب اهمیت
نگاه هستی شناسانه جوامع به گوهر هنر	۲۵	۴۸/۳	۰/۹۴	۲۱
یکپارچگی معنای اثر	۲۵	۶۰/۳	۰/۹۷	۱۶
توجه به محتوای اثر	۲۵	۰۸/۴	۰/۸۸	۲
عمقی بودن پیام اثر نقاشی	۲۵	۰۰/۴	۰/۹۴	۳
ارتقا درک جامعه هدف از هنر نقاشی	۲۵	۶۸/۳	۰/۹۹	۱۱
ارایه در فضای مجازی	۲۵	۶۴/۳	۱/۲	۱۳
چشم انداز و اهداف	۲۵	۶۰/۳	۱/۱۰	۱۷
استراتژی‌های ارتباطی	۲۵	۷۲/۳	۱/۰۴	۹
جهان‌بینی و ایدئولوژی هنرمند	۲۵	۹۶/۳	۰/۹۶	۵
آشنایی با هنرمندان شاخص و مطرح دنیا	۲۵	۷۲/۳	۱/۰۱	۱۰
نقش منتقدان در جایگاه واقعی اثر نقاشی	۲۵	۸۴/۳	۱/۰۷	۷
نقش و جایگاه حراجی ها	۲۵	۷۶/۳	۰/۹۵	۸

۱	۱/۰۹	۱۲/۴	۲۵	حضور هنرمند در نمایشگاه‌ها و موزه‌های مطرح دنیا
۱۴	۱/۳۰	۶۴/۳	۲۵	پایداری اثر نقاشی
۱۹	۱/۰۶	۵۶/۳	۲۵	نقش نظام‌های سیاسی
۱۸	۱/۰۲	۶۰/۳	۲۵	نقش تجارت بین‌الملل
۱۵	۰/۹۸	۶۴/۳	۲۵	همسان سازی آثار نقاشی در مقیاس جهانی
۱۴	۱/۰۳	۰۰/۴	۲۵	نقش مخاطبان جهانی هنر
۱۲	۱/۰۸	۶۸/۳	۲۵	درک دهکده جهانی
۶	۰/۹۴	۹۶/۳	۲۵	مرزگذر بودن اثر نقاشی
۲۰	۰/۹۸	۴۸/۳	۲۵	اسطوره سازی هنرمند نقاش

در سنجش دور سوم بیشترین امتیاز (اهمیت) به شاخص «حضور هنرمند در نمایشگاه‌ها و موزه‌های مطرح دنیا» و کمترین امتیاز به شاخص اهمیت «نگاه هستی‌شناسانه جوامع به گوهر هنر، اسطوره سازی هنرمند نقاش» داده شده است. همچنین مقایسه میانگین در دور دوم و سوم نیز به صورت جدول (۶) نشان داده شده است.

جدول ۶. میزان اختلاف دیدگاه کارشناسان و متخصصان در نظرسنجی مرحله دوم و سوم

شاخص	میانگین مرحله دوم	میانگین مرحله سوم	اختلاف میانگین
توجه به ناخودآگاه جمعی	۳/۰۰	***	
پاتوق‌های هنری	۳/۷۸	***	
نگاه هستی‌شناسانه جوامع به گوهر هنر	۳/۵۹	۳/۴۹	۱۰/۰-
هویت فرهنگی	۴/۰۴	***	
شرایط اقلیمی	۲/۸۹	***	
بستر اجتماعی و سیاسی	۳/۷۸	***	
متریال‌های بکارگرفته شده	۲/۸۱	***	
تکنیک اثر	۳/۰۴	***	
روند خلق اثر	۳/۰۰	***	
زیبایی‌شناسی اثر	۳/۷۴	***	
یکپارچگی معنای اثر	۳/۷۴	۳/۶۵	۰۹/۰-
توجه به محتوای اثر	۴/۱۹	۴/۱	۰۹/۰-
ترکیب بندی	۳/۵۹	***	
چندبعدی بودن اثر نقاشی	۲/۷۸	***	
عمقی بودن پیام اثر نقاشی	۳/۹۶	۴	۰۴/۰
همگام سازی فرهنگ‌ها	۲/۸۱	***	
ایجاد سبک و ژانرهای هنری	۳/۰۰	***	
درک ارزش سرمایه گذاری در نقاشی	۳/۰۰	***	

۱۰/۰-	۳/۷۱	۳/۸۱	ارتقا درک جامعه هدف از هنر نقاشی
	***	۳/۳۳	توجه به نمادهای اقتصاد و اقتصاد هنر
	***	۳/۶۷	مشارکت در جوامع هنری
	***	۲/۷۸	مخاطبان خاص
۰۵/۰	۳/۶۴	۳/۵۹	ارایه در فضای مجازی
۰۱/۰	۳/۶	۳/۵۹	چشم انداز و اهداف
	***	۳/۵۶	ایده پردازی
۰۶/۰-	۳/۷۲	۳/۷۸	استراتژی‌های ارتباطی
۰۴/۰-	۳/۹۶	۴/۰۰	جهانبینی و ایدیولوژی هنرمند
۰۲/۰	۳/۷۲	۳/۷۰	آشنایی با هنرمندان شاخص و مطرح دنیا
	***	۲/۹۳	آموزش آگاهانه
	***	۳/۴۸	نقش ناظر (کیوریتوری)
	***	۳/۷۴	برگزاری نمایشگاه‌های بین‌الملل
	***	۳/۷۴	نقش نمایشگاه داران در جایگاه واقعی اثر نقاشی
۰۹/۰	۳/۷۶	۳/۶۷	نقش منتقدان در جایگاه واقعی اثر نقاشی
	***	۲/۷۸	نقش کارشناسان خبره و اهدا جوایز در ارتقا اثر نقاشی
	***	۲/۹۳	تاثیر بزرگداشت ها
۰۹/۰	۳/۷۶	۳/۶۷	نقش و جایگاه حراجی ها
	***	۳/۵۶	کلکسیونر دارها
۰۷/۰-	۴/۱۲	۴/۱۹	حضور هنرمند در نمایشگاه‌ها و موزه‌های مطرح دنیا
۱۰/۰-	۳/۶۴	۳/۷۴	پایداری اثر نقاشی
۰۹/۰-	۳/۵۸	۳/۶۷	نقش نظام‌های سیاسی
۰۸/۰-	۳/۶۶	۳/۷۴	نقش تجارت بین‌الملل
۱۰/۰-	۳/۶۸	۳/۷۸	همسان سازی آثار نقاشی در مقیاس جهانی
	***	۳/۸۱	عملکرد موزه‌ها و ارتباط آن با هنرمندان
۰۹/۰	۳/۹۸	۳/۸۹	نقش مخاطبان جهانی هنر
۰۶/۰-	۳/۶۸	۳/۷۴	درک دهکده جهانی
۰۸/۰-	۳/۹۶	۴/۰۴	مرزگذر بودن اثر نقاشی
	***	۳/۹۶	توجه به شان هنر نقاشی در جهان
	***	۲/۷۴	پیروی از قوانین جهان هنر نقاشی
۱۰/۰	۳/۴۷	۳/۳۷	اسطوره سازی هنرمند نقاش

با توجه به نتایج جدول (۶)، می‌توان گفت: اولاً، نظرات در خصوص تمامی شاخص‌ها به دلیل آنکه اختلاف کمتر از ۰/۱ را در مقایسه دو مرحله آخر داشته‌اند،

به جمع‌بندی نهایی رسیده است و امتیاز بالاتر از ۳/۴ برای تمامی شاخص‌ها نشان دهنده، مؤثر بودن آن‌ها در جهانی‌سازی هنر و هنرمندان نقاش می‌باشد.

جدول ۷. آزمون همبستگی دلبیوی کندال

مرحله دلفی	تعداد پاسخگو	ضریب همبستگی دلبیوی کندال	شاخص کای دو	درجه آزادی	شاخص معنی داری (Sig.)
اول	۲۵	۰.۰۶۷	۹۹.۰۴۰	۴۸	۰.۰۰۰
دوم	۲۵	۰.۰۷۶	۱۱۰.۴۰۳	۵۰	۰.۰۰۰
سوم	۲۵	۰.۰۸۴	۳۲.۱۴۳	۲۲	۰.۰۴۲

بر طبق جدول (۷) مقدار $0.000, 0.000$ و 0.042 شاخص های معنی دار که کمتر از معیار 0.05 می باشد، همبستگی پاسخ ها را تأیید می کنند. همچنین مقدار بالاتر از 0.05 برای ضریب دلبیوی کندال نیز تطابق قابل قبول نظرات را در این آزمون نشان می دهد. شایان ذکر است با توجه به اینکه در آزمون دلبیو کندال، مقدار درجه آزادی بر اساس تعداد گویه ها محاسبه (و نه تعداد مشاهدات) بنابراین در مرحله اول برای ۴۷ گویه مورد آزمون، درجه آزادی $47+1=48$ تعیین و برای مراحل دوم و سوم به ترتیب ۵۰ و ۲۲ لحاظ شده است. چنانچه در جداول (۷) مشاهده می شود، مقدار ضریب همبستگی در طی سه مرحله رو به افزایش است که این امر ضمن تأیید همگرایی و هم سو شدن نظرات کارشناسان و متخصصان در طول فرایند آزمون می باشد.

در مجموع ۳۴ شاخص زیر با استفاده از مدل دلفی به عنوان شاخص ها اصلی برای جهانی سازی هنر و هنرمندان نقاش استخراج گردید که بر اساس امتیازات کسب شده توسط هر شاخص از مدل دلفی، جدول رتبه بندی شاخص های جهانی سازی هنر و هنرمندان نقاش ارائه گردیده است.

جدول ۸. رتبه بندی شاخص های جهانی سازی هنر و هنرمندان نقاش با استفاده از مدل دلفی

شاخص	امتیاز	رتبه
حضور هنرمند در نمایشگاه ها و موزه های مطرح دنیا	۴/۱۲	۱
توجه به محتوای اثر	۴/۰۸	۲
هویت فرهنگی	۴/۰۴	۳
عمقی بودن پیام اثر نقاشی	۴/۰۰	۴
نقش مخاطبان جهانی هنر	۴/۰۰	۵
جهان بینی و ایدئولوژی هنرمند	۳/۹۶	۶
مرزگذر بودن اثر نقاشی	۳/۹۶	۷
توجه به شان هنر نقاشی در جهان	۳/۹۶	۸
نقش منتقدان در جایگاه واقعی اثر نقاشی	۳/۸۴	۹
عملکرد موزه ها و ارتباط آن با هنرمندان	۳/۸۱	۱۰
پاتوق های هنری	۳/۷۸	۱۱
بستر اجتماعی و سیاسی	۳/۷۸	۱۲
نقش و جایگاه حراجی ها	۳/۷۶	۱۳
زیبایی شناسی اثر	۳/۷۴	۱۴
برگزاری نمایشگاه های بین الملل	۳/۷۴	۱۵

۱۶	۳/۷۴	نقش نمایشگاه داران در جایگاه واقعی اثر نقاشی
۱۷	۳/۷۲	استراتژی‌های ارتباطی
۱۸	۳/۷۲	آشنایی با هنرمندان شاخص و مطرح دنیا
۱۹	۳/۶۸	ارتقا درک جامعه هدف از هنر نقاشی
۲۰	۳/۶۸	درک دهکده جهانی
۲۱	۳/۶۷	مشارکت در جوامع هنری
۲۲	۳/۶۴	ارایه در فضای مجازی
۲۳	۳/۶۴	پایداری اثر نقاشی
۲۴	۳/۶۴	همسان سازی آثار نقاشی در مقیاس جهانی
۲۵	۳/۶۰	یکپارچگی معنای اثر
۲۶	۳/۶۰	چشم انداز و اهداف
۲۷	۳/۶۰	نقش تجارت بین‌الملل
۲۸	۳/۵۹	ترکیب بندی
۲۹	۳/۵۶	ایده پردازی
۳۰	۳/۵۶	کلکسیونر دارها
۳۱	۳/۵۶	نقش نظام‌های سیاسی
۳۲	۳/۴۸	نگاه هستی شناسانه جوامع به گوهر هنر
۳۳	۳/۴۸	نقش ناظر (کیوریتوری)
۳۴	۳/۴۸	اسطوره سازی هنرمند نقاش

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر که در صدد شناختن شاخص‌های مؤثر بر جهانی‌سازی هنرمندان بومی و نوظهور می‌باشد. با بهره‌گیری از روش دلفی شاخص‌های متعددی را از مقالات مختلف استخراج نموده و با در میان گذاشتن با کارشناسان متعدد و جذب نکته نظرات آن‌ها، به شاخص‌های معتبری در مراحل متعدد دست پیدا کرده است. شاخص‌هایی که می‌تواند تا حدی راهگشای هنرمندان مذکور باشد. در حقیقت نقاشان از جمله هنرمندانی هستند که در سطوح مختلفی به ارائه اثر می‌پردازد که در تعریف و دسته بندی جامعه‌شناسی هنر شامل سه سطح آماتور، مستقل و حرفه‌ای تقسیم بندی می‌شود. دسته بندی که مورد نظر و تایید جامعه شناسان چون بوردیو و الکساندر و بسیاری از جامعه شناسان داخلی همچون مریدی، آریانپور و غیره بوده است. لازم به ذکر است بیشتر توجه نقاشان گروه آماتور، خلق آثاری با رویکرد دکوراتیو می‌باشد که بیشتر این آثار مورد اقبال عوام جامعه می‌باشد و جنبه تزئینی دارد و به نوعی در گرید هنر برای مردم قرار می‌گیرد.

گروهی از نقاشان نیز هستند که بیشتر در انزوای خود با رویکرد هویت فرهنگی و با دغدغه توجه به درد و رنج در جوامع به خلق آثاری می‌پردازند که آثار این هنرمندان در گروه هنر مستقل دسته بندی می‌شود. هرچند این گروه بی خبر از شاخص‌های مهم در سطح جهانی نیستند، اما بیشتر به دنبال خلق آثار برای ارضای حس درونی و روحیات خود می‌باشند و اما گروهی از نقاشان که خود را در ردیف هنرمندان حرفه‌ای جستجو می‌کنند و بیشتر رویکرد جهان شمولی

دارند. این گروه از نقاشان به دنبال مطرح کردن خود از طریق شیوه‌های فرامرزی هستند. شاخص‌های استخراج شده در چنین مقالاتی می‌تواند مولفه‌های موثری برای اینگونه هنرمندان نقاش باشد. مطالعه اخبار، رسانه‌ها، همگام شدن با پاتوق‌های هنری، گالری دارها، توجه به آیت‌های جهانی‌سازی که توسط کشورهای توسعه یافته صورت می‌گیرد، مورد نظر این دسته می‌باشد.

به این ترتیب هنرمندان نقاشی که به دنبال جهانی شدن می‌باشند ضرورت دارد تا با شناسایی و همگام شدن با شاخص‌های جهانی هنر، نظیر استراتژی‌های ارتباطی، جهان بینی، نقش منتقدان، شاخص‌های برگزاری و قواعد نمایشگاه‌های بین‌المللی آشنایی پیدا کنند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

خلاصه مبسوط

Extended Abstract

Introduction

The globalization of visual arts and the international recognition of painters has become a central concern among emerging artists, art theorists, and cultural policymakers. In recent decades, artistic globalization has evolved from a purely aesthetic concept into a multidisciplinary phenomenon rooted in sociocultural, economic, and philosophical contexts (8). The emergence of global art depends not only on the intrinsic value of artworks but also on how these values are communicated, perceived, and situated within a global framework of meaning. Earlier studies have noted the transformation of art from traditional forms

of national identity into hybrid, border-transcending forms, shaped by interactions among artists, curators, markets, and audiences (4, 5).

Research in the sociology of art points to the systemic interaction between artists and various institutional actors, including curators, critics, galleries, and collectors, as fundamental in shaping the visibility and valuation of art across borders (1). For instance, Alexander (2021) emphasized the complex pathways through which independent artists navigate global networks of validation and recognition (23). Similarly, Greenblatt (2018) highlighted the cultural shifts that inform the reception and value of artworks in different historical contexts, underlining the philosophical transition from localized aesthetic production to a broader engagement with universal human experiences (12).

Moreover, studies have acknowledged that cultural identity, artistic ideology, and media strategies are crucial for a painter's success in the global art scene (9-11). This aligns with the concept of universality as a dimension of globalization in which the art world becomes an open, dynamic field of shared meanings rather than a fixed Western-dominated canon (7).

Methods and Materials

The study adopted a descriptive-analytical design using a mixed-methods approach, combining qualitative content analysis and the Delphi method. Initially, a comprehensive literature review was conducted to extract primary indicators influencing the globalization of painters and their artworks. Forty-seven initial indicators were identified and categorized into two groups: internal (related to the artwork itself) and external (related to contextual or institutional factors). These indicators were further refined through three rounds of expert evaluation using the Delphi method. A snowball sampling technique was employed to recruit 25 experts in contemporary visual art from across the country. In each round, participants rated the importance of the indicators using a Likert scale, and adjustments were made based on consensus levels, defined by Kendall's W coefficient and a threshold of <0.10 for mean score deviation across rounds.

Findings

In the first round of the Delphi method, 48 indicators were rated by the panel. The most highly rated indicators included "focus on artwork content" ($M = 4.00$), "cultural identity" ($M = 3.94$), and "status of painting in global art" ($M = 3.88$). Indicators such as "climatic conditions" ($M = 3.10$) and "virtual presentation" ($M = 3.15$) were rated the lowest.

In the second round, two new indicators were added: "familiarity with prominent global artists" and "presence in major international exhibitions." The highest-rated indicators shifted to "presence in global exhibitions" ($M = 4.19$) and "focus on content" ($M = 4.08$), followed closely by "visual identity" and "global perception of painting." Meanwhile, "compliance with global art laws" and "collective unconscious" scored low and were excluded.

In the third and final round, 21 indicators were evaluated. Indicators achieving the highest consensus included "presence in major exhibitions" ($M = 4.12$), "focus on content" ($M = 4.08$), "depth of painting message" ($M = 4.00$), and "global art audiences" ($M = 4.00$). All final indicators achieved a mean score above 3.48 and met the <0.10 deviation criterion, indicating expert consensus on their significance in the globalization process of visual art.

Discussion and Conclusion

This study's findings offer a multidimensional framework for understanding the globalization of painting and visual artists. The presence of artists in international art spaces and exhibitions emerged as the most influential factor. This suggests that physical and symbolic inclusion in global institutions plays a crucial role in elevating the visibility and legitimacy of artists. Furthermore, indicators such as "focus on artwork content," "depth of message," and "visual identity" affirm the enduring importance of the artwork's narrative, aesthetic coherence, and cultural rootedness in achieving global resonance.

Equally significant are external factors, including the role of critics, curators, international art markets, and digital media. The art world's infrastructure appears essential in establishing a networked system that supports the recognition of artists beyond local boundaries. This reflects Bourdieu's theory of the art field as a structured space of positions and relations, where symbolic capital is constantly negotiated.

One of the study's key insights is that achieving global artistic status does not require the abandonment of cultural identity or conformity to Western formalism. Rather, strategic engagement with global audiences through meaningful, content-rich work that reflects unique cultural narratives can lead to universal recognition. This aligns with the argument that cultural diversity and local context are assets rather than obstacles in the age of global art discourse.

The implications of this research extend to artists, cultural policymakers, and art institutions. For artists, the findings stress the importance of combining content innovation with proactive global engagement. For policymakers and educators, fostering platforms that enhance international mobility and professional development of local artists is crucial. Finally, for curators and critics, the study reinforces their role as mediators of value in a globally interconnected art ecosystem.

In summary, the globalization of painters is a multifaceted process shaped by the synthesis of internal artistic qualities and external systemic dynamics. This research contributes to the theoretical and practical understanding of how visual artists navigate global pathways and offers a structured set of indicators to inform future strategies in art policy, education, and international collaboration.

References

1. Moridi MR, Taghizadegan M, Moridi MR. A Sociological Study of the Structural Elements of the Art System The Participation of Painters in Collective Activities of the Iranian Painting Art Community. *Social Sciences of Ferdowsi University of Mashhad*. 2005;1(2):2-31.
2. Moridi MR. Paradigm of Global Art: A Sociological Analysis of Four Analytical Models of Global Art. *Journal of Visual and Applied Arts*. 2013;6(11):5.
3. Afrashi A. A Linguistic Interpretation of Global Art. *Khayal*. 2006;19(1):122-31.
4. Hanping F, Shahir S. An Analysis of Spatial Construction in Pictorial from the Perspective of Formalism. *Journal of Arts Research and Education*. 2024;24(1).
5. Qarebaghi AA. Is the Globalization of Art the Same as the Old Saying? *Tavous Quarterly*. 2001(8).
6. Samiazar A. *Conceptual Revolution*. Tehran: Nazr Publishing; 2012.
7. Haji Yusefi AM. Globalization and the Field of International Relations. *Quarterly Journal of International Studies*. 2008(19):127-60.
8. Sosnytskyia Y, Oksana P, Oksana S, Ivan D, Iryna H. The role of art and humanities in shaping cultural approach. *Multi disciplinary Reviews*. 2024.
9. Bastid R. *Art and Society*: Tous Publications; 1995.
10. Mamatov J. Parameters of the Connection between Art and Culture. *Pindus Journal of Culture, Literature, and ELT*. 2022;2(3):69-76.
11. Williams R. *Culture and Society*. Tehran: Negah; 2018.
12. Greenblatt S. *How Did the World Become Modern?* Tehran: Bidgol; 2018.
13. Azad Aramaki T. *Hangout and Modernity in Iran*. Tehran: Lohe Fekr Publications; 2005.
14. Ahmadi B. *Truth and Beauty*. Tehran: Center Publications; 2022.
15. Spence C, Youssef J, Michel C, Woods A. Assessing the aesthetic oblique effect in painting and plating. *International Journal of Gastronomy and Food Science*. 2019;17:100168.
16. Mirsepasi N. Designing a Model for Human Resource Excellence in Iranian Government Organizations Using the Delphi Technique. *Future Studies in Management*. 2010:1-24.
17. Shamisa S. *Literary Criticism*. Tehran: Mitra Publishing; 2020.
18. Deng Y. Exploring the Representativity of Art Paintings. *IEEE Transactions on Multimedia*. 2021;23:2794-805.
19. Salzman PC. *Understanding Culture: An Introduction to Anthropological Theory*. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company; 2015.
20. Sanz-Hernández A, Covalada I. Sustainability and creativity through mail art: A case study with young artists in universities. *Journal of Cleaner Production*. 2021;318SP - 128525.
21. Pénasse J, Renneboog L, Spaenjers C. Sentiment and art prices. *Economics Letters*. 2014;122(3):432-4.
22. Sidorova E. The Cyber Turn of the Contemporary Art Market. *Arts*. 2019;8(3):84.
23. Alexander V. *Sociology of the Arts: A Description of Beautiful and Popular Forms of Art*. Tehran: Sociologists; 2021.

24. Winkleman E. Selling Contemporary Art: How to Navigate the Evolving Market: Alworth Press; 2017.
25. Davidson JC. Staging art and Chineseness: The politics of trans/nationalism and global expositions: Manchester University Press; 2020.